

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۷ مارچ ۲۰۱۶

نگاهی به وضعیت ایران در سال ۱۳۹۴!

۳

پخش هزاران کتاب با موضوع «مهدویت» در مدرسه‌ها

اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان اعلام کرد ۱۵ هزار جلد کتاب با موضوع «مهدویت» را در مدرسه‌های مختلف این استان توزیع کرده است. چنین اقدامی در استان‌های دیگر نیز انجام شده و بخشی از یک برنامه سراسری است.

از زمان روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد مسأله «ظهور امام زمان» بیش از پیش در کانون تبلیغات دینی در حکومت اسلامی قرار گرفته است. هدف اصلی این تبلیغات که از حمایت کامل رهبر حکومت اسلامی علی خامنه‌ای برخوردار است دانش‌آموزان در تمام مقاطع تحصیلی هستند. برگزاری همایش‌ها، اردوها، جلسه‌های سخنرانی و توزیع صدها هزار جزوه و کتاب بخشی از برنامه‌هایی است که انگیزه آن آشنا ساختن دانش‌آموزان با «مهدویت» عنوان می‌شود.

تشریح «مهدویت» برای دانش‌آموزان

حبیب‌الله رحیمی، مسؤول فرهنگی - هنری اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان روز چهارشنبه، ۱۰ اسفند ۱۳۹۰ اعلام کرد که «بیش از ۱۵ هزار جلد کتاب با موضوع مهدویت در میان مدارس تمام مقاطع تحصیلی این استان توزیع شده است.» به‌گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) رحیمی گفته است این کتاب‌ها از انتشارات «بنیاد تخصصی مهدویت» قم خریداری شده و «متناسب با جنس و گروه سنی دانش‌آموزان به تشریح موضوع مهدویت می‌پردازند.» در ۱۷ بهمن ۹۴ نیز خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا از قول محسن حموله، دبیر کمیته کودک و نوجوان ستاد مرکزی دهه فجر نوشت، این کمیته ۱۰۰ هزار نسخه از کتابی با عنوان «معبر نور» را که از جمله به‌موضوع «انتظار و مهدویت» می‌پردازد برای دانش‌آموزان مقطع دبیرستان فرستاده است.

در یک ماه گذشته خبرهای فراوانی از توزیع صدها هزار جلد کتاب با موضوع «مهدویت» در استان‌های مختلف کشور منتشر شده است. ناصر شکریان، مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی مازندران ۱۲ بهمن ماه سال ۹۴، در جمع خبرنگاران گفت به‌زودی «کنگره ملی مهدویت» در مرکز این استان برگزار می‌شود. به‌گزارش خبرگزاری فارس،

شکریان همچنین از ارسال حدود یک هزار جلد کتاب در این زمینه برای هر یک از ۱۱۵ کتابخانه مازندران که بعضاً در مدرسه‌ها دائر شده‌اند خبر داده است.

پخش هزاران جلد کتاب درباره «امام دوازدهم شیعیان» در استان‌های لرستان و فارس نیز از اقدام‌هایی است که در هفته‌های اخیر انجام شده است. مسئولان این‌گونه کارهای تبلیغاتی را به‌بخش‌هایی از کشور که اکثریت آن‌ها سنی‌مذهب هستند نیز کشانده‌اند. حسن معزی مدیر آموزش و پرورش زابل، ۱۵ بهمن به‌خبرگزاری فارس گفت: «۱۰ هزار جلد کتاب در زمینه مهدویت در منطقه سیستان توزیع شده است.» او می‌گوید «بنیاد فرهنگی حضرت مهدی» از یک سال پیش دفتری در زابل راه انداخته تا به «فرهنگ‌سازی در زمینه چگونگی انتظار امام زمان» بپردازد.

در کنار پخش کتاب، برنامه‌ها و همایش‌های متفاوتی نیز در سراسر کشور و در طول سال به‌منظور تقویت باورهای مذهبی نوجوانان و جوانان، به‌ویژه باور به «ظهور منجی موعود» برگزار می‌شود؛ همایش «دکترین مهدویت» در مشهد و برگزاری «طرح معرفت» در همدان از این نمونه‌ها هستند.

طرح تقویت بسیج و اثرهای مخرب آن

مجلس شورای اسلامی در سکوت خبری رسانه‌های همگانی و فضای پیش از انتخابات، «طرح تقویت بسیج» را به‌تصویب رساند و به‌این‌ترتیب، گامی زیان‌بخش به‌هدف پوشش قانونی دادن به‌حضور این نهاد سرکوبگر در عرصه‌های مختلف حیات جامعه به‌پیش برداشته شد. پس از ارائه لایحه «برنامه ششم توسعه»، بحث درباره نقش و جایگاه بسیج، به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌مان، بالا گرفته است. هم‌زمان با انتشار مفاد لایحه برنامه ششم توسعه، طرحی زیر عنوان: «تقویت بسیج»، که از مدتی پیش تدوین و آماده شده بود، در «کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور» مجلس موردبررسی قرار گرفت که سرانجام در قالب اصلاح فصل ۴ اساسنامه سپاه پاسداران، از تصویب مجلس گذشت.

پاسدار صالح جوکار، که در مجلس نهم سمت نمایندگی شهر یزد را دارد، در این‌باره خاطر نشان کرده بود: «طرح اولیه با اصلاحاتی آماده ارائه به صحن علنی شد این طرح با عنوان تقویت بسیج در جلسه کمیسیون مطرح و پس از اعمال‌نظر نمایندگان، به تصویب رسید.» (روزنامه شرق، ۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۴)

تصویب این طرح که نتیجه اولیه آن امنیتی‌تر کردن فضای کشور است، باهدفی معین صورت گرفته است. درخصوص محتوای این طرح- یا بهتر است گفته شود مصوبه- اعلام شد: «در چارت تشکیلاتی سپاه هیچ تغییری در جایگاه بسیج ایجاد نمی‌شود... تغییرات مربوط به ساختار داخلی خود بسیج است. ... باتوجه به شرایط روز نیاز بود تا تغییراتی در وظایف و ماموریت‌های این نهاد ایجاد شود. این تغییرات هم در بخش ماهیت بسیج و هم در زمینه اقتضای بسیجی موردنیاز بود که در طرح تقویت بسیج موردتوجه قرار گرفت.» (روزنامه شرق، ۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۴)

تدوین‌کنندگان طرح تقویت بسیج، هسته اصلی این طرح را چنین معرفی کردند: «امروز که دفاع مقدس تمام شده، ماموریت‌های جدید بسیج در راستای مقابله با تهدیدات نرم و در این راستا، آموزش‌های متفاوت و سازمان‌دهی متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، طرح تقویت بسیج هم در راستای همین ماموریت‌هاست ... چون بسیج تنها مربوط به دوران دفاع مقدس نیست، طبیعتاً نمی‌توان آن را محدود به رسته‌های نظامی کرد و رسته‌های مختلفی نظیر سیاسی، اقتصادی و ... را شامل می‌شود.» (روزنامه شرق، ۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۴) به‌علاوه، بنا بر گزارش‌های رسمی، طرح تقویت بسیج، در چارچوب ابلاغیه سیاست‌های کلان ولی‌فقیه، تدوین و طراحی گردیده است.

به این ترتیب بلافاصله پس از توافق هسته‌ای و اجرای برجام، سران حکومت با هدفی معین، نیروهای بسیج را عرصه‌هایی نظیر جنگ نرم، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، و نیز امور اقتصادی وارد می‌کند. مطابق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی خامنه‌ای، بخش‌هایی از طرح‌های عمرانی پرسود به‌بسیج، در حکم ارگانی از اندام سپاه پاسداران، تعلق می‌گیرد.

تغییرات در ساختارها به این معناست که، بسیج در حیات سیاسی و اقتصادی و در جهت نقش‌آفرینی در فضای مجازی - زیر نام مقابله با تهدیدات نرم- امکان و فرصت بیشتری به‌دست می‌آورد و از پوشش قانونی کافی برخوردار می‌شود. مطابق اساسنامه سپاه پاسداران، یکی از وظایف بسیج این‌گونه تبیین شده است: «عموم اقتشار... پس از گذراندن دوره آموزشی عمومی به عضویت... بسیج درآمده و سازمان‌دهی می‌شوند، و در حدود قوانین و مقررات فعالیت‌های پشتیبانی و رزمی زمان جنگ، و همچنین فعالیت‌های عمرانی، خدماتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی خواهند داشت». (خبرگزاری ایسنا، ۶ بهمن‌ماه ۱۳۹۴)

تقویت نقش و جایگاه بسیج در امور اقتصادی، سیاسی، امنیتی و به‌اصطلاح مقابله با تهدیدهای نرم -به‌ویژه پس از اجرای برجام- نشانگر عزم حکومت و سران آن برای رویارویی با هرگونه اعتراض مردمی، به‌ویژه اعتصاب کارگران و نگرانی‌شان از خیزش‌ها مردمی است. به‌عنوان نمونه؛ هفته‌های قبل از نمایش انتخابات مجلس، خبرگزاری مهر، ۶ بهمن‌ماه، از قول مسوول نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه ناحیه شهر اهر، در استان آذربایجان شرقی، نوشت: «نقش سپاه در انتخابات، بصیرت‌افزایی و آگاهی مردم است... علاوه بر تأمین امنیت بخشی از انتخابات، بصیرت‌افزایی جهت حضور حداکثر مردم در پای صندوق رای و تلاش برای آگاهی مردم و بیان شاخصه‌های نمایندگان اصلح در مجلس از وظایف سپاه و بسیج است».

همچنین در آستانه انتخابات، واحد بسیج رسانه به‌وسیله نیروهای بسیج فعال شد و فرمانده این ارگان امنیتی اعلام کرد که، بررسی راهکارهای حضور مردمی در انتخابات و تقویت جبهه‌گفتمان انقلاب اسلامی از وظایف عاجل بسیج محسوب می‌شوند.

در واقع با طرح تقویت بسیج، بر حضور و فعالیت این ارگان سرکوبگر در تمامی عرصه‌ها افزوده می‌شود و در کنار آن، باز هم میلیاردها تومان از بودجه کشور و ثروت‌های اجتماعی به‌این ارگان تعلق می‌گیرد. طرح تقویت بسیج، طرحی در راستای تحکیم حاکمیت مرتجع و حفظ حکومت ضدانسانی است

محیط زیست

وضعیت محیط زیست کشور، بسیار دردناک و فاجعه‌بار است. چندی پیش، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست حکومت اسلامی، با «ایجاد» کارزاری به‌نام دمای ۱۸ درجه، از عموم مردم دعوت کرد تا به‌منظور مقابله با آلودگی هوا، به‌این کارزار بپیوندند. این به‌اصطلاح کارزار تبلیغاتی، در اوضاعی برپا می‌شود که نه‌تنها سطح و میزان آلودگی هوای تهران و دیگر کلان‌شهرهای کشور در مرز فاجعه قرار گرفته، بلکه برخی عامل‌های به‌وجود آمدن این آلودگی‌ها مانند: تخریب جنگل‌ها، مرتع‌ها، تالاب‌ها، و رودخانه‌ها، به‌طور گسترده ادامه دارد.

خبرگزاری ایسنا، ۲۳ دی‌ماه ۹۴، در گزارشی پیرامون گسترش آلودگی و ریزگردها در بیش‌تر مناطق کشور، از جمله نوشت: «رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوا در پژوهشکده محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی تهران با تأکید بر این‌که در حال حاضر ۳۵ میلیون نفر از جمعیت کشور در مناطقی با آلودگی هوا و ذرات معلق به‌عنوان مهم‌ترین منبع آلودگی

زندگی می‌کنند، گفت از این رو هر اقدامی که در زمینه رفع آلودگی هوا صورت گیرد اثرات آن قشر عظیمی از جامعه را دربر خواهد گرفت».

داده‌های کارشناسی و گزارش‌های رسمی نشان می‌دهند که، بخش قابل‌توجهی از معضل آلودگی هوای کلان‌شهرهای کشور، با تخریب محیط زیست، به‌ویژه کاهش سطح جنگل‌های کشور و بی‌توجهی مطلق حاکمیت به‌امر حیاتی حفاظت از محیط زیست مرتبط است.

معصومه ابتکار، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در اواسط دی‌ماه ۹۴، در جمع خبرنگاران و در پاسخ به‌پرسشی درباره برنامه‌های سازمان حفاظت محیط زیست برای مهار و مقابله با ریزگردها و آلودگی هوا، گفت: «موضوع گردوغبار را فراموش نکرده‌ایم... مطالعات مربوط به‌مدیریت و کنترل کانون‌های گردوغبار، تکمیل شده و با همکاری سازمان جنگل‌ها و مراتع عملیات اجرائی آن آغاز می‌شود». (خبرگزاری مهر، ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۴)

همزمان با سخنان ابتکار، رئیس اداره محیط زیست رودسر از نابودی ۴۰۰ هکتار از درختان شمشاد منطقه حفاظت‌شده سرولات جواهردشت در استان گیلان خبر داد. در این خبر، که خبرگزاری‌های مختلف آن را منتشر ساختند، رئیس اداره محیط زیست شهرستان رودسر تأکید می‌کند که «کل مساحت ۸۰۰ هکتاری منطقه حفاظت‌شده سرولات جواهردشت در خطر نابودی قرار دارد».

بنا به‌گزارش دیگری که خبرگزاری مهر در روزهای نخست دی‌ماه منتشر کرد، جنگل‌های لرستان، به‌ویژه جنگل‌های منحصر به‌فرد بلوط این منطقه، در حال نابودی کامل است و «امروز دیگر جنگل‌های انبوه در لرستان نداریم». همچنین اعلام شد که، برای جلوگیری از تخریب جنگل‌های لرستان، طرح و برنامه‌ای وجود ندارد و اداره حفظ محیط زیست این استان بودجه مالی لازم برای مقابله با تخریب جنگل‌های بلوط ندارد.

خبرگزاری مهر، ۲۴ دی‌ماه ۹۴، گزارش داد: «قامت جنگل‌های هیرکانی رامسر در استان مازندران، زیر بار زباله خمیده شد... تلاش مدافعان محیط زیست و سازمان‌های مردم‌نهاد هوادار محیط زیست، برای نجات جنگل‌های هیرکانی رامسر تا کنون بی‌نتیجه مانده و به‌قول یکی از اعضای «جمعیت مردم‌نهاد نگاه‌سبز رامسر... گونه‌هایی مانند توسکا، راش، و ممرز در رقابت با زباله در منطقه کلاکولی آسیب دیده‌اند، اراده مردمی در شورا و سازمان‌های مردم‌نهاد برای حل معضل زباله وجود دارد، اما در بین مسئولان شهرستان (استاندار، شهردار، فرماندار، و رئیس اداره محیط زیست) اراده‌ای نیست... برای احداث کارگاه زباله‌سوز... سنگ‌اندازی می‌شود».

باید یادآور شد که، سازمان حفاظت محیط زیست در مناطقی چون رامسر، جزیره هندورابی در خلیج فارس، آشوراده، و پارک جنگلی سرخه‌حصار، در برابر اقدام شرکت‌های وابسته به‌سپاه پاسداران، وزارت نیرو، وزارت نفت، و سازمان مناطق آزاد تجاری، سکوت اختیار کرده است، و این ارگان‌ها به‌جنگل‌زدائی و تخریب محیط زیست و ساخت‌وساز به‌طور بی‌پروا مشغولند. برای نمونه، خبرگزاری ایسنا، ۲۳ دی‌ماه ۹۴، نوشت: «ساخت بندرگاهی در ضلع شمال غرب جزیره هندورابی در خلیج فارس توسط سازمان منطقه آزاد تجاری کیش به‌تخریب زیستگاه مرجانی منجر شده و فرجام پرونده هندورابی در انتظار توافق محیط زیست و منطقه آزاد است». به‌این‌ترتیب، برخلاف ادعاهای مقامات حکومتی، که نجات محیط زیست را در خصوصی‌سازی مناطق حفاظت‌شده می‌بینند می‌توان با صراحت گفت که، سیاست‌های دولت و کل حاکمیت در قبال نجات محیط زیست وجود خارجی ندارد.

خبرگزاری مهر، ۱۹ دی‌ماه ۹۴، نوشت: «پس از خسارت‌های واردشده به‌حوزه کشاورزی در سال زراعی، ناتوانی کشاورزان خسارت‌دیده در پرداخت تسهیلات بانک‌ها را برآن داشته است که برای دریافت معوقات، فشارهای زیادی بر کشاورزان وارد کنند. این اعمال فشارها و اختطاریه‌های مکرر بانک‌ها، کشاورزان خسارت‌دیده را دچار نگرانی و

دغدغه‌های بسیاری کرده است تا جایی که عوامل بانکی اجرای قانون را به شرط تعهد کشاورزان عملی دانسته‌اند و همچنان منگنه به‌دست، کشاورزان را تحت فشار می‌گذارند. ... در همین زمینه با وجود خسارت‌ها کشاورزان علاوه بر این‌که توان پرداخت معوقات بانکی را که با سودهای آن‌چنانی همراه است ندارند، بلکه در تأمین معیشت خود و نهاده‌های تولید برای سال زراعی جاری، به‌شدت دچار مشکل شده‌اند».

اعمال فشار بانک‌ها بر دهقانان، به‌ویژه بر دهقانان تهیدست و محروم کشور، درحالی است که تجار عمده، دلال‌های بازار، و شرکت‌های خصوصی و خارجی، نه تنها از وام‌های کم‌بهره و تسهیلات بانکی استفاده می‌کنند، بلکه از معافیت‌های متعدد نیز بهره‌مندند.

علاوه بر فشارهایی که بانک‌ها بر کشاورزان محروم وارد می‌آورند، سیاست دولت در زمینه تعیین نرخ خرید تضمینی نیز فشارهای دیگری است که بر کشاورزان وارد می‌شود.

بحران آب

گزارش امسال سازمان ملل متحد به‌مناسبت ۲۲ مارس، روز جهانی آب، به‌رابطه «آب و اشتغال» پرداخته است. بدون آب بقای انسان ناممکن می‌شود و بدون ایجاد فرصت‌های شغلی، نمی‌توان با آفت فقر مبارزه کرد. بدین‌سان رابطه «آب و اشتغال» در قلب اقتصاد توسعه جای می‌گیرد و سرمایه‌گذاری در عرصه آب به یکی از مهم‌ترین عوامل زاینده فرصت‌های شغلی برای خارج کردن انسان‌ها از گرداب فقر بدل می‌شود.

در گزارش سازمان ملل متحد گفته می‌شود که بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون شغل، معادل چهل و دو درصد جمعیت فعال در جهان، وابستگی شدیدی به آب دارند. این مشاغل عمدتاً در کشاورزی، پرورش ماهی، بهره‌برداری از معادن، تولید انرژی و شماری از صنایع تبدیلی از جمله صنایع غذایی، دارویی و نساجی متمرکز هستند. حدود یک میلیارد و دویست میلیون شغل دیگر، معادل سی و شش درصد جمعیت فعال جهان، وابستگی کمتری به آب دارند، ولی به‌ر حال این‌ها نیز در فعالیت‌هایی تمرکز دارند که انجام آن‌ها نیازمند آب است، از جمله بخش ساختمان، توریسم، حمل و نقل، صنایع چوب و کاغذ و پلاستیک و فلزات و غیره... به‌عبارت دیگر هفتاد و هشت درصد مشاغل در جهان کم و بیش به آب وابسته هستند.

ایران جزو ۱۰ کشور نخست جهان است که بیش‌ترین میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را در نتیجه مصرف انرژی به‌خود اختصاص داده است. در این کشور، بیش از ۵۰۰ میلیون تن گاز گلخانه‌ای تولید می‌شود که این رقم تا ۱۰ سال آینده به دو میلیارد تن خواهد رسید.

در مقاطع متعددی در سال‌های اخیر آلودگی هوای برآمده از گرد و غبار در بسیاری از شهرهای خوزستان از جمله اهواز و آبادان، دست‌کم دو هزار و ۳۳۵ میکروگرم بر متر مکعب گزارش شده است. این رقم به‌معنی ۶۶ برابر حد مجاز است. حتی حکومت اسلامی ایران، با اخطار سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری نیز در این زمینه مواجه شد. سازمان حفاظت محیط زیست ایران می‌گوید طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته ۷۰ درصد ذخیره سفره‌های آب زیرزمینی ایران به‌شدت کاهش یافته است.

باید در نظر داشت بخش کشاورزی در ایران پر مصرف‌ترین بخش از نظر میزان استفاده از آب است. ۹۰ درصد از منابع آب ایران در زمین‌های کشاورزی مصرف می‌شود. متوسط مصرف جهانی آب در بخش کشاورزی در جهان حدود ۷۰ درصد است. بنابر این کشاورزی ایران بیش از ۲۰ درصد از متوسط جهانی بیش‌تر آب مصرف می‌کند.

در سال ۱۳۹۴، بیش از ۳۰۰ هزار چاه غیرمجاز کشاورزی در سراسر کشور شناسایی شد. چاه‌هایی عمدتاً عمیق که با برداشت بی‌رویه خود از ذخایر آب‌های زیرزمینی باعث خشکاندن بسیاری از منابع آبی ایران شده است. به‌این ۳۰۰ هزار چاه غیرمجاز باید صدها هزار چاه «مجاز» دیگری را افزود که گرچه با مجوز حفر شده‌اند اما این به‌معنی آن نیست که به‌ذخایر آب زیرزمینی لطمه وارد نمی‌کنند.

کوچ جمعیت به‌دلیل بی‌آبی مسأله امنیت ملی ایران را مطرح می‌کند. هشدارها در این زمینه کم نیستند، ولی به‌نظر نمی‌رسد موفق شده باشند افکار عمومی کشور را برای رویارویی با چالش آب بسیج کنند. به‌گفته عیسی کلانتری، مشاور معاون اول رئیس جمهوری در امور آب و کشاورزی و محیط زیست، «ایران با بهره‌برداری از ۹۷ درصد آب‌های سطحی خود عملاً تمام رودخانه‌های خود را خشک کرده و دیگر آبی در طبیعت باقی نمانده است... این موضوع به‌معنای آن است که اگر به‌همین وضع ادامه دهیم، حدود هفتاد درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل پنجاه میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به‌مهاجرت از کشور هستند.» (روزنامه «شهروند» به‌نقل از ایران امروز، ۲۶ آوریل ۲۰۱۵)

هشدار دیگر را محسن رنایی، استاد دانشگاه اصفهان داده است: «در گذشته تصور می‌کردم که ممکن است روزی ایران درگیر جنگ با یک کشور خارجی شود و از آن ناحیه آسیب ببیند. بعدها گمان من بر این بود که احتمالاً ما به‌سوی یک جنگ مذهبی می‌رویم. اما امروز معتقدم اگر برای بحران آب تدبیر عاجلی اندیشیده نشود، جنگ آب به صورت خانه‌به‌خانه و منطقه به منطقه سراسر کشور را فرا خواهد گرفت.» (خبرگزاری فارس، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴)

با این وجود، به‌گفته رحیم میدانی، معاون وزیر نیرو، در لایحه بودجه ۱۳۹۵ کل کشور، اعتبارات در نظر گرفته شده برای بخش آب نسبت به‌سال گذشته هزار میلیارد تومان کمتر شده است. (خبرگزاری تسنیم، ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۴)

بحران فاجعه‌بار دریاچه ارومیه

آذربایجان غربی استانی ۳۷ هزار کیلومتر مربعی در شمال‌غربی ایران و به‌مرکزیت ارومیه قرار دارد. این استان که یکی از استان‌های متمدن ایران نامیده می‌شود که بیش از ۳ میلیون نفر از اقوام مختلف ترک آذربایجانی، کرد، ارمنی، فارس و ... در کنار هم به‌زندگی مسالمت‌آمیز می‌پردازند.

آذربایجان غربی از لحاظ جغرافیایی از شمال با کشورهای آذربایجان و ترکیه، از غرب با کشورهای ترکیه و عراق، از شرق با استان‌های آذربایجان شرقی و زنجان و از جنوب با استان کردستان هم مرز است.

توپوگرافی و پوشش خاص گیاهی و آب و هوایی این منطقه به‌همراه وجود دریاچه ارومیه به‌عنوان نگین منطقه، یکی از استان‌های خاص ایران به‌شمار می‌رود.

استان آذربایجان غربی، مناطق و جاذبه‌های خاص و دیدنی فراوانی را در خود جای دارد؛ یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های آب شور جهان، یکی از بزرگ‌ترین مناطق آزاد تجاری کشور، وجود چشمه‌های متنوع آب معدنی، منطقه‌ای با بیش‌ترین درصد اکسیژن، وجود کلیساهای تاریخی، وجود جنگل‌های زیبا، غارها، آبشارها و چندین منطقه تاریخی و دیدنی دیگر در این استان قرار دارند.

دومین دریاچه آب شور جهان هم‌اکنون میزبان بیش از ۲۵۰ گونه مختلف جانوری و پرندگان است و توسط یونسکو در بین مناطق و تالاب‌های تحت حفاظت به‌ثبت رسیده است.

استفاده از «لجن‌ها» به‌دلیل دارا بودن موادمعدنی غیرقابل حل مواد گیاهی از دیر باز توسط یونانیان باستان مورد استفاده قرار گرفته بود و در دهه‌های اخیر هم بریتانیایی‌ها و آلمانی‌ها این روش را به‌صورت حمام گلی یا مزارع

سلامتی به‌کار گرفتند. خاک و مواد گیاهی فرسایش یافته در گذار سال‌ها در نقاط خاصی از زمین از جمله دریاچه ارومیه چنین خاصیتی را به‌همراه دارند.

فواید سلامتی بخش لجن‌ها، یعنی وجود آنتی‌بیوتیک‌های طبیعی، معدنی و گیاهی در سالیان متمادی از نظر کمیت افزایش پیدا می‌کند و بعد از حضور فرد در میان لجن‌های درمانگر، مواد مفید موجود در آن به‌پوست او نفوذ می‌کند. این مواد از طریق وارد گردش خون بدن می‌شوند و فیبرهای عصبی کوچکی را در لایه‌های خارجی پوست تحریک می‌کنند. این فرآیند روی سیستم عصبی نیز تأثیر مثبت می‌گذارد.

مالیدن لجن روی پوست یا حمام لجن گرفتن از معمول‌ترین روش‌های لجن درمانی هستند و به‌تازگی نیز شرکت‌های تولید کننده شامپوها و مواد زیبا کننده، محصولات جدیدی برای استفاده از این روش درمانی عرضه کرده‌اند. با وجود این، مردم هنوز هم در کشورهایی مانند اتریش، کلمبیا و ایران از لجن درمانی و حمام‌های لجن برای کاهش درد مفاصل، سیاتیک، دردهای مزمن، روماتیسم و برطرف کردن ناراحتی‌های پوستی استفاده می‌کنند.

دریاچه ارومیه، به‌دلیل حجم فوق‌العاده بالای نمک و مواد معدنی آن خالی از حیات است و به‌این دلیل آب دریاچه قدرت شفاف‌بخشی و علاج امراض پوستی و روماتیسمی را داراست. همچنین غلظت بالای نمک این دریاچه این امکان را می‌دهد که به‌راحتی در روی آب شناور شده و تمدد اعصاب کنند بدون آن‌که غرق شوند.

دریاچه ارومیه به دلیل داشتن ارزش‌های اکولوژیک و منحصر به فرد، در سال ۱۳۵۶ براساس مصوبات MAB (انسان و کره مسکون) به‌عنوان یکی از مناطق بین‌المللی ذخیره‌گاه‌های زیست کره در سطح جهان به‌ثبت رسیده است. این دریاچه با تمام جزایر آن در سال ۱۳۵۴ به‌عنوان یکی از تالاب‌های بین‌المللی در کنوانسیون رامسر ثبت و از طرف مؤسسه بین‌المللی تالاب‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق مهم پرندگان انتخاب شد. در این دریاچه در حال حاضر ۲۷ گونه پستاندار، ۲۱۲ گونه پرنده، ۴۱ گونه خزنده، هفت گونه دوزیست و ۲۶ گونه ماهی زیست می‌کند. دریاچه ارومیه دارای ۱۰۲ جزیره است که همه آن‌ها از سوی سازمان یونسکو به‌عنوان ذخیره‌گاه طبیعی جهان به‌ثبت رسیده است. دریاچه ارومیه از نظر سطح آب‌های آزاد، بیستمین دریاچه جهان از لحاظ وسعت و شورترین بعد از بحرالمیت محسوب می‌شود.

آرتمیا این جاندار سخت‌پوست که روزگاری در آب‌های دریاچه ارومیه می‌زیست، ناپدید شده است. آرتمیا غذای برخی پرندگان دریاچه ارومیه از جمله فلاینگوهاست، با از بین رفتن آرتمیا فلاینگوها نیز چند سالی است از دریاچه ارومیه دل‌کنند و دیگر بازنگشتند. در گذشته صدها هزار پرنده به‌این دریاچه مهاجرت می‌کردند و با مهاجرتشان ارومیه را جانی دوباره می‌بخشیدند، اما خشک‌سالی سبب شده تا ارومیه جایگاه بین‌المللی خود را از دست بدهد و از سوی دیگر پرندگان نیز حتی برای آوازخوانی به ارومیه بازنگردند. پرندگان به تدریج احساس کردند که دریاچه ارومیه دیگر برایشان آرامشی نخواهد داشت، آن‌ها فهمیدند که حتی برای یک لحظه هم نمی‌توانند برای دیدن این دریاچه کهن و اساطیری بازگردند هر چند که پلیکان‌ها نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

پرواز پرنده‌های بی‌خبر از همه‌جا پس از بازی وقتی روی دریاچه ارومیه می‌نشینند، نمک پر و بال‌شان را می‌گیرد و نمی‌توانند پرواز کنند، پرنده‌ها باز هم با تمام توان‌شان بال می‌زنند اما نمی‌توانند از دریاچه ارومیه جدا شوند، گویی به‌زمین چسبیده‌اند، گویی یک‌باره متوجه می‌شوند که مرگ گریبان‌شان را گرفته است. این توصیف یکی از دستاران محیط زیست است که به‌طور اتفاقی شاهد مرگ یکی از پرندگان مهاجر در دریاچه ارومیه بوده است.

دریاچه‌ای در حال مرگ، دریاچه‌ای که با همه زیبایی‌اش با همه قدمت خود و با همه نعمت‌هایش در حال نابودی است، این نابودی یعنی نابودی سه درصد از خاک ایران و ایرانی با پیکری زخمی برجای می‌ماند.

فراتر از بحران پیش‌رو که چند سال است گونه‌های گیاهی و حیوانی دریاچه را با مشکل روبه‌رو کرده است، بسیاری از کارشناسان دولتی و غیردولتی این نکته را متذکر شده‌اند که با کاهش مساحت دریاچه ارومیه و خشکی تدریجی، دریاچه ارومیه به شوره‌زاری ۸ میلیارد تنی تبدیل می‌شود که زیست‌بوم انسانی منطقه را از بین خواهد برد و در نهایت منجر به مهاجرت‌های ناخواسته و از بین رفتن بخش مهمی از کشتزارهای اطراف می‌شود.

ستاد احیای دریاچه ارومیه با اشاره به این‌که بروز بیماری‌های تنفسی، پوستی، چشمی، فشار خون و تشدید سرطان می‌تواند از آثار درازمدت خشک‌شدن دریاچه ارومیه در میان مردم منطقه باشد، می‌گوید: متأسفانه شاهد کم‌کاری وزارت بهداشت در خصوص بررسی تأثیرات خشکی دریاچه ارومیه بر سلامت مردم هستیم.

مهدی احمدی در گفت‌وگو با ایلنا می‌افزاید: نگرانی‌ای که در مورد ارومیه وجود دارد، به‌دلیل وجود رسوبات نمکی و فلزات سنگینی است که نشست کرده و به‌مرور زمان ممکن است در هوا بلند شود و در بلندمدت بر سلامت مردم تأثیر بگذارد و حتی بروز بیماری سرطان در منطقه را نیز تشدید کند.

معاون وزیر راه و شهرسازی درباره وضعیت خشک‌شدن دریاچه ارومیه، چنین اقرار کرده است: توسعه باغات اطراف دریاچه ارومیه و ایجاد ۴۴ سد و مسدود کردن تمامی راه‌های ورود آب به دریاچه در سال‌های اخیر باعث خشک شدن آن شد.

به‌گزارش خبرگزاری میزان، پیروز حناچی در تشریح وضعیت دریاچه ارومیه و خشک‌شدن آن به‌داشتن نگاه همه‌جانبه به این موضوع اشاره کرد و گفت: دریاچه ارومیه به‌دلیل نداشتن نگاه همه‌جانبه به وضعیت کنونی درآمد و مشکلات آن چندین برابر شد. بدین‌معنا که تمامی ۴۴ رودخانه‌ای که به دریاچه سرازیر می‌شد با ساخت سد مسدود شدند و با این ساخت و سازهای غیرعلمی آب اشباع این دریاچه به تدریج خشک شد و به وضعیت فعلی درآمد.

طول دریاچه از ۱۳۹ تا ۱۴۶ کیلومتر و عرض آن از ۵۸ کیلومتر تا ۱۵ کیلومتر (بین کوه زنبیل و جزیره اسلامی) متغیر است. حجم آب دریاچه ارومیه در مساحت ۵ هزار و ۸۲۲۸۲۲ کیلومتر مربع و با عمیق متوسط ۵/۴ متر بالغ بر ۳۱ میلیارد مترمکعب برآورد شده است. حوزه آبریز دریاچه ارومیه دارای ۵۲ هزار و ۴۷ کیلومتر مربع بوده که در استان‌های آذربایجان غربی، شرقی، کردستان و قسمت بسیار کمی نیز در کشور ترکیه است.

در این سال‌ها کسانی که به خشک کردن دریاچه ارومیه، دست به اعتراض و راهپیمایی زده‌اند بلافاصله توسط مامورین امنیتی سرکوب و تعدادی نیز دستگیر و زندانی شده‌اند.

حیوان‌کشی در ایران

سال ۱۳۹۴، با انتشار فلم سگ‌کشی‌های گسترده در شیراز، آغاز شد و با فلم سگ‌کشی در اردبیل این جنایت به‌وج خود رسید.

فروردین ۱۳۹۴، فلمی دل‌خراش در شبکه‌های منتشر شد نشان می‌داد سگی که پس از تزریق ماده‌ای با سرنگ، زوزه می‌کشید و بعد در کنار لاشه چند سگ دیگر کنار یک جاده خاکی بر زمین می‌افتد. گفته می‌شد مکان این سگ‌کشی شهرک صنعتی شیراز است و ماده تزریق شده اسید است.

انجمن حمایت از حیوانات نامه‌ای به‌استاندار فارس نوشت و درخواست کرد با عوامل این کشتار برخورد شود تا «اسم شیراز برای مردم تداعی تخت جمشید، حافظ و سعدی، شعر و گل باشد نه ظلم به حیوانات مظلومی که تمام جرمشان فقط سگ بودن است».

در مقابل اما جمعی از مدیران محلی از اساس موضوع را تکذیب کرده و مدعی بودند پای توطئه و دسیسه‌ای برای بدنام کردن شیراز و مدیرانش در میان است.

طرفداران حیوانات در شیراز ابتدا چاره را در تجمع مقابل سازمان محیط زیست و سپس مقابل ساختمان شهرداری دیدند تا اعتراض‌شان را به‌گوش مسؤولان برسانند. تجمع دوم با همراهی برخی شهرهای دیگر همراه شد و در تهران، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست هم به‌جمع معترضان آمد و از ضعف قانون در دفاع از حیوانات بی‌سرپرست گفت. در نیمه‌های اردیبهشت ماه، خبر تکان‌دهنده منتشر شد. این بار و در روز ۱۷ اردیبهشت یک سگ با شلیک گلوله‌ای از سوی یک مامور نیروی انتظامی کشته شد. سگی که به‌همراه سرپرستش به‌منطقه کوهسار تهران رفته بود و مامور درجه‌دار پولیس پس از آن که از شنیدن صدای سگ می‌ترسد از پشت سر او را هدف گلوله قرار داده و می‌کشد. جاوید آل‌داوود، پزشکی که سگ گلوله خورده را برای معاینه به‌کلینیکش برده بودند روایت کرد که ابتدا به‌دامپزشک دیگری مراجعه شده بود اما او چون شنیده که ضارب مامور پولیس بوده از دادن گواهی دلیل مرگ خودداری کرده است؛ چرا که می‌ترسیده کلینیکش را تعطیل کنند.

خانواده سرپرست این سگ، به‌دنبال شکایت و پیگیری قانونی بودند اما به‌رسانه‌ها گفتند که مامور شلیک‌کننده با خنده گفته است «سگ نجس است» و «۱۰ تایی دیگر هم می‌کشم».

فهرست حیوان آزاری‌ها فقط به‌سگ‌های ولگرد محدود نماند. شاید گربه‌های دارای سرپرست به‌دلیل نبود مشکلات مذهبی و قانونی، مثل سگ‌های دارای سرپرست در خطر توقیف نباشند و شهرداری‌ها دست به‌کشتار جمعی گربه‌های خیابانی نزنند اما وضعیت گربه‌ها و سایر حیوانات هم چندان بهتر نیست.

سیرک‌ها امسال هم سهمی در حیوان آزاری به‌خود اختصاص دادند. از جمله سه کوسه که برای نمایش در یک سیرک وارد ایران شده بودند، به‌دلیل شرایط نامناسب نگهداری تلف شدند.

بنا به اعلام مقامات سازمان حفاظت محیط زیست مرگ این سه کوسه‌ماهی -که در جریان حضور یک سیرک پرتغالی در شهر مشهد به‌نمایش گذاشته می‌شدند- بر اثر نقص فنی سیستم اکسیژن رسانی آکواریوم و خفگی رخ داده است. زمستان سال ۹۴، از دو روستای متفاوت، دو فلم شکنجه سگ در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافت نشان داد وضع در روستاها هم اگر بدتر نباشد، بهتر نیست.

در یکی از فلم‌ها که مربوط به‌استان گلستان بود. کشاورزی در میان قهقهه همراهانش یک سگ را بارها محکم به‌ماشین می‌کوبید. سپس در حالی که صدای ناله و زوزه سگ بلند شده بود، با بیل به‌جان او افتاد و ضربات محکمی را به‌بدن او وارد کرد.

سگ که بعدها مشخص شد متعلق به‌همین مرد بوده در کمال ناباوری زنده ماند و اعتراض گسترده مردمی منجر به‌دستگیری فرد ضارب شد. اما در حادثه دوم و در استان اردبیل، چوپانی آن‌قدر با چوب یک سگ را کتک زد تا او را کشت. در این مورد هم فرد آزارگر دستگیر شد.

سازمان حفاظت محیط زیست، اعلام کرد پیش‌نویس ماده واحده‌ای را به‌هیات دولت ارائه کرده که در صورت تصویب آن، برای آزار و کشتن حیوانات ولگرد یا بی‌سرپرست جرایم و مجازاتی در نظر گرفته خواهد شد.

با این حال جاوید آل‌داوود، رئیس انجمن حمایت از حیوانات معتقد است که این اقدامات بیش‌تر جنبه «تبلیغاتی» دارد و تا مجلس به‌طور ویژه وارد بحث حیوان آزاری نشود و قوانینی را تصویب نکند، تغییر چندان رخ نخواهد داد.

او می‌گوید: «آزار حیوانات شهری در محدوده کاری سازمان حفاظت محیط زیست نیست. خانم ابتکار زمانی که عضو شورای شهر تهران بود باید در این زمینه فعالیت می‌کرد. اما حالا برای فرافکنی و برای این که موضوع مرگ حیواناتی مثل پلنگ دوباره طرح نشود، وارد این موضوعات می‌شوند».

به‌گفته این فعال حقوق حیوانات، سازمان محیط زیست در سال‌های گذشته نیز در قبال تلفات بالای حیوانات وحشی به‌اندازه کافی پیگیر نبوده و با توجه به کمبود نیروی متخصص و نبود نظارت کافی، ورود به موضوعات جدید این سازمان را بیش از پیش تضعیف می‌کند.

رئیس انجمن حمایت از حیوانات با وجود همه موارد شایع حیوان‌آزاری به «نسل جدید ایرانیان» امیدوار است چرا که به‌گفته او، مسأله حیوانات را چه در مورد حیات وحش و چه در مورد حیوانات شهری جدی می‌گیرد و به‌حیوان‌آزاری واکنش نشان می‌دهد.

سیاست خارجی و توافقات اتمی حکومت اسلامی ایران در سال گذشته و دشواری های پیش روی

در سالی که گذشت سران حکومت اسلامی ایران، پرچم سفید را در مقابل رقبای بین‌المللی خود بالا بردند و زانو دزدن تا با خشونت بیشتری بحران‌های داخلی خود را حل و فصل کند. از این‌رو، بر خلاف تلاش برای برقراری روابط حسنه با غرب و در راس همه امریکا، در داخل کشور بربریت و وحشی‌گری خود را به‌اوج رساند به طوری که در سال ۹۴، حدود ۱۰۰۰ نفر را اعدام کرد.

اما کارنامه سیاست خارجی حکومت اسلامی در سال ۹۴ پر تناقض بود و با همسایگانش مشکلات جدی به‌وجود آورد. صحنه سیاسی خاورمیانه در سالی که گذشت بیش‌تر بحرانی‌تر شد. با وجود پیروزی‌های جزئی این‌جا و آن‌جا علیه گروه موسوم به «دولت اسلامی»، اما جنگ و خونریزی در عراق، لیبی، افغانستان، سوریه و یمن به‌هیچ‌رو کاهش نیافت.

در این سال، ما شاهد نزدیکی بیش از پیش اسرائیل به عربستان سعودی و ترکیه بودیم و گاهی تیره‌شدن روابط امریکا با این کشورها به‌مثابه مهم‌ترین مراکز خصومت با حکومت اسلامی ایران بود.

توافق هسته‌ای با حکومت اسلامی ایران که دولت اوباما آن را از بزرگ‌ترین پیروزی‌های کارنامه ریاست جمهوری خود به‌شمار می‌آورد، با مخالفت شدید اسرائیل روبه‌رو شد. سفر اعتراض‌آمیز بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل به امریکا بدون رضایت کاخ سفید، چرخشی آشکار در سیاست ایالات متحده بود که به نظر می‌رسد تا پایان دوره ریاست جمهوری اوباما ادامه پیدا کند.

کوتاه آمدن امریکا از سیاست سرنگونی بشار اسد و بی‌اعتنائی به‌خواست ترکیه برای حمایت نکردن در رابط با روژاوا، ورود روسیه به‌شکل مستقیم به جنگ در سوریه و در سایه قرار گرفتن نسبی نقش ایران در این جنگ، همراه با تشدید تنش میان روسیه و ترکیه، از رویدادهای مهم سیاسی سال گذشته است.

حکومت اسلامی ایران به‌دنبال توافق هسته‌ای «دوستانه» به‌دست آورد ولی به‌جز در مورد ترکیه، موفق نشد در خاورمیانه از شدت خصومت «دشمنانش» بکاهد.

نیمه دوم سال 1394، دوره معاملات و بده‌بستان‌های حکومت اسلامی ایران و اروپا بود. دولت روحانی، تلاش کرد تا درهای ایران بر روی سرمایه‌های خارجی باز کند. سفرهای متعدد هیات‌های اروپائی به ایران و سفر متقابل حسن روحانی به ایتالیا و فرانسه، دست‌کم در سطح روابط اقتصادی معاملات انجام دادند.

دو اقدام حکومت اسلامی، در ماه‌های پایانی سال گذشته بر سیاست خارجی حکومت اسلامی ایران در منطقه و در رابطه با امریکا سایه انداخت:

یکی رزمایش موشکی سپاه پاسداران در اسفندماه سال ۹۴ با نام «اقتدار ولایت» بود که همزمان در منطقه عمومی کویر قم و برخی نقاط دیگر کشور برگزار شد. موشک‌هایی از ارتفاعات البرز شرقی به سواحل مکران شلیک شدند، با وزنی معادل ۱۷ تن و بردی به‌گفته فرماندهان سپاه ۲ هزار کیلومتر. اما عبارتی که بر این موشک‌ها نوشته شده بود، «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود»، وزن و برد سیاسی این موشک‌ها را چند برابر کرد و پیام منفی آن را نه تنها به‌اسرائیل که به‌سنای امریکا و کاخ سفید نیز رساند.

جاش ارنست، سخن‌گوی کاخ سفید از احتمال تصویب تحریم‌های تازه علیه ایران در پی آزمایش‌های موشکی تهران سخن گفت. تلاش برای برخورد با حکومت اسلامی ایران، با مخالفت روسیه ناکام ماند، ولی نتوانست تأثیرات سیاسی آن را ترمیم کند.

بهمن ماه گذشته محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران ایران گفت: «عربستان سعودی در دشمنی با ایران، گوی سبقت را از رژیم صهیونیستی ربوده است».

در دی‌ماه این سال گروهی به‌سفارت عربستان در تهران حمله کردند و بخش‌هایی از ساختمان را به‌آتش کشیدند. همزمان عده‌ای در شهر مشهد در مقابل کنسول‌گری عربستان شعارهای «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر آل سعود» سردادند. در مشهد نیز «معترضین» مواد آتش‌زا و سنگ به‌سوی کنسول‌گری عربستان پرتاب کردند. بهانه این تعرضات اعدام شیخ نمر رهبر شیعیان معترض در عربستان بود.

به‌دنبال این ماجراها، عربستان مناسبات خود را با ایران قطع کرد و توانست با بسیج کلیه امکانات خود کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب را به‌موضع‌گیری در برابر ایران بکشاند.

اما تلاش‌های دولت روحانی، برای آن‌که بگوید حمله به‌سفارت عربستان کار گروهی خودسر بوده، کارساز نیافتاد و نام حکومت اسلامی ایران، به‌عنوان کشوری که قادر به‌رعایت پرنسیب‌های بین‌المللی نیست، بار دیگر در رسانه‌های جهان مطرح شد.

مانور نظامی مشترک عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، مالزی، سودان و عمان در اسفندماه گذشته با نام «رعد شمال» صف‌آرایی در منطقه را یکبار دیگر به‌نمایش گذاشت. صف‌آرایی که در سوریه و یمن و ایران و عربستان را روبه‌روی هم قرار داده است و حکومت اسلامی ایران را با چالش‌هایی کم‌سابقه در منطقه روبه‌رو کرد.

با این حال عربستان هم با توجه به‌کمبود بودجه شدید بر اثر افت قیمت نفت، احتمال بروز بحران‌های داخلی، ناکامی در حذف بشار اسد از صحنه سیاسی سوریه و عدم حمایت کامل امریکا از سیاست‌هایش در منطقه روبه‌روست.

ناگفته نماند که این تنش‌های ایران و عربستان در تابستان گذشته و در جریان کشته‌شدن هزاران زائر در مراسم حج یکبار دیگر به‌اوج رسیده بود. در هر حال ادامه جنگ نیابتی تهران و ریاض در صحنه سوریه، یمن، لبنان و ... نشان می‌دهد که دو حکومت هنوز تمایلی به‌حل تنش از مجاری سیاسی و راه‌حل‌های دیپلماتیک را ندارند و هرکدام به‌دنبال خواست‌های حداکثری هستند.

ایران و ترکیه با وجود این که مناسباتشان با شروع جنگ داخلی سوریه، ظرف پنج سال اخیر به‌تیرگی کشیده شده، اما منافع اقتصادی و ژئوپولیتیک گوناگون مانع از این است که روابط این دو کشور به حد خصمانه برسد. به‌ویژه که سیاست ترکیه در قبال سوریه عملاً راه به‌جائی نبرده و با درگیر شدن غیرمستقیم در این جنگ عملاً ثبات و اقتصاد این کشور را به‌مخاطره انداخته است.

احمد داووداغلو، نخست وزیر ترکیه در نیمه اسفندماه به ایران سفر کرد که هدفش توسعه مناسبات اقتصادی بین دو کشور اعلام شد. مناسباتی که با آغاز اختلافات سیاسی کاهش پیدا کرده است و حالا دو طرف در پی بهبود آن هستند. تبادلات تجاری ایران و ترکیه حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود و به‌نوشته روزنامه‌های ترکیه در دو سال آینده می‌تواند ۳ برابر شود.

احتمالا طرفین بر سر حمله وحشیانه ارتش ترکیه به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) و مردم کرد ترکیه و همچنین تحولات روژاوا (کردستان سوریه) نیز مذاکرات محرمانه‌ای داشتند.

اسحاق جهانگیری، معاون اول حسن روحانی این سفر را یک «نقطه عطف» در مناسبات تیره ایران و ترکیه دانست. در روزهای پایانی سال نیز محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران به ترکیه سفر کرد. او در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه روی این نکته انگشت گذاشت که هر دو کشور بر سر حفظ تمامت ارضی سوریه نظری مشترک دارند.

اما این تنها موردی نیست که ایران و ترکیه را به هم نزدیک می‌کند. علاوه بر نگرانی‌های اقتصادی، از جمله افت شدید درآمد ترکیه از صنعت توریسم که خود پیامدهای سیاست‌های این کشور در قبال سوریه و مردم کرد است، مخالفت شدید با برقراری یک سیستم کنفدراسیون دموکراتیک در شمال سوریه نیز مسأله‌ای است که حکومت اسلامی ایران و دولت اردوغان بر سر آن اشتراک منافع دارند.

در هر صورت توافق ائومی حکومت اسلامی ایران با حکومت‌های عضو گروه ۱+۵ (شامل امریکا، آلمان، انگلیس، چین، فرانسه و روسیه)، همراه با نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپایی پس از ۲۲ ماه مذاکره سخت و فشرده، سرانجام در روز ۲۳ تیر ۱۳۹۴، برای رفع سوءتفاهم‌ها در مورد برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای حکومت اسلامی ایران و همزمان لغو تحریم‌ها علیه ایران تفاهم کردند.

اگرچه آمار دقیقی از میزان هزینه‌ای که حکومت اسلامی ایران از جیب مردم ایران، برای دستیابی به فناوری هسته‌ای پرداخته است وجود ندارد، اما نهادهای مستقل، هزینه تمام‌شده نیروگاه ائومی بوشهر را به‌تئانی ۱۱ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.

سازمان‌ها و کارشناسان مستقل ناظر بر فعالیت هسته‌ای ایران، هزینه تحمیل شده به‌جامعه ایران را ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. مه‌ران مصطفوی، استاد فیزیک در فرانسه پیش از این به رادیو زمانه گفته بود: «برنامه هسته‌ای بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار هزینه مستقیم و غیرمستقیم به‌ایران تحمیل کرده است».

ناصر نوبری، سفیر سابق ایران در شوروی اردیبهشت‌ماه سال گذشته در همایشی که جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران برگزار کرد، گفت: «بیماری اصلی این‌جاست که اگر میلیاردها دلار بودجه برای برنامه هسته‌ای در سال‌های گذشته هزینه شده، چرا مجالس گذشته نظارت نکردند، این خود یک گناه بزرگ است».

حکومت اسلامی ایران از ۱۳ سال پیش که برنامه غنی‌سازی اورانیوم و پیش‌برد برنامه هسته‌ای را از سرگرفت، هزینه‌های فراوانی پرداخت کرده است. اگر چه بخشی از این هزینه‌ها در قانون بودجه سالانه ایران ذکر شده، اما بخش زیادی از آن محرمانه و البته بخش دیگری هم غیرمستقیم و ناشی از تحریم‌های مرتبط با پیش‌برد برنامه هسته‌ای بوده است.

تنها از سال ۲۰۱۲ و پس از تشدید تحریم‌های نفتی و بانکی، ایران حداقل نیمی از درآمد نفتی خود را از دست داد. ارزش برابری ریال حداقل به‌نصف کاهش یافته و میزان سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز ایران به‌کمترین میزان

ممکن؛ حتی در مقایسه با دوران جنگ ایران و عراق، رسیده است. اگرچه نمی‌توان تحریم‌ها را تنها عامل این وضعیت دانست، اما نقش پررنگ و تأثیرگذار تحریم‌ها را نمی‌توان انکار کرد.

بر اساس گزارش دو مؤسسه امریکائی، ایران به‌خاطر تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای‌اش بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار زیان دیده است. مؤسسه «کارنگی برای صلح بین‌المللی» و «انجمن دانشمندان امریکا» این هزینه را تنها مربوط به‌زیان‌هایی که ایران به‌خاطر عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی و همچنین تحریم صادرات نفت متحمل شده است، دانسته‌اند.

این‌در حالی است که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در دوره تشدید تحریم‌های اقتصادی ۶۰ درصد صنعت ایران با ظرفیت حداکثر سی درصد فعالیت کرده است. همچنین به‌گفته وزیر صنعت، معدن و تجارت، حداقل ۲۲۰۰ واحد تولیدی و صنعتی از کار افتاده‌اند. علاوه بر این در آخرین سال فعالیت دولت پیشین، حداقل ۷۲ هزار پروژه صنعتی و عمرانی به دلیل عدم تأمین اعتبار و کسری بودجه ناتمام مانده است. اقتصاد ایران در این دوره با رشد منفی روبرو شده و ایران به‌ناچار به‌مبادله نفت با کالا روی آورده است.

علی لاریجانی چند سال قبل و در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی، در اعتراض به سیاست‌های دولت خاتومی رئیس‌جمهور وقت در گفت‌وگوهای هسته‌ای، چنی اقرار کرده بود: «رُ غلتان دادیم و آب‌نبات گرفتیم».

حال اما لاریجانی در مقام رئیس مجلس، از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دفاع کرده و گفته است: «بیانیه لوزان نشانه خوبی برای حل مسأله هسته‌ای ایران است و ما از تیم مذاکره‌کننده حمایت می‌کنیم». لاریجانی، یک روز پس از آن‌که نمایندگان مجلس ظریف را برای توضیحات بیشتر به‌مجلس فراخواندند، در دیدار با کارکنان مجلس گفته است که در مذاکرات هسته‌ای و تفاهم لوزان همه خطوط قرمز نظام رعایت شده و هر توافقی که صورت گرفته با نظر رهبری بوده است.

ایران ۱۳ سال پس از برهم زدن بیانیه سعدآباد و تلاش برای دست‌یابی به‌انرژی هسته‌ای به نقطه اول بازگشت. حسن روحانی که عملکردش در مذاکرات پیش از دولت احمدی‌نژاد با انتقادهای تندی روبرو بود، حالا رئیس دولتی است که از سر اضطراب و برای بازسازی اقتصادی، به‌تعطیلی فردو، کاهش سطح غنی‌سازی، باز تعریف نیروگاه آب سنگین اراک و کاهش سانتریفیوژهای ایران تن داده است.

اما اگر ایران ۱۳ سال پیش همین راه را می‌رفت و همه هزینه اصلی و جانبی برنامه هسته‌ای را به‌اقتصاد نحیف و نفتی تزریق می‌کرد، چه اتفاقی رخ داده بود؟ با همین ۱۰۰ میلیارد دلار چند فرصت شغلی در ایران ایجاد می‌شد و چند پروژه ناتمام به بهره‌برداری می‌رسید؟ ۱۰۰ میلیارد دلار معادل چند سال بودجه عمرانی ایران است؟

به‌گفته علی ربیعی، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی هزینه ایجاد یک شغل جدید ۲۰ میلیون تا ۷۰ میلیون تومان است. اگر قیمت هر دلار را سه هزار تومان در نظر بگیریم، هزینه ۱۰۰ میلیارد دلاری ناشی از تحریم‌ها می‌توانست اعتبار لازم برای شش میلیون فرصت شغلی را تأمین کند. این در حالی است که به گفته معاون توسعه اشتغال وزارت کار، دولت در قانون بودجه سال گذشته هیچ اعتباری به‌اشتغال‌زایی اختصاص نداده است. به‌گفته حسین طائی، از سال ۸۸ به بعد اعتبار اشتغال‌زایی از ردیف‌های بودجه سالانه حذف شده است.

همچنین به‌گفته رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، دولت برای تکمیل ۷۲ هزار پروژه صنعتی نیمه تمام به ۶۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد و مجموع اعتبار عمرانی بودجه سالانه ایران به ۲۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد. اگر این روایت را مبنا قرار دهیم با همین ۱۰۰ میلیارد دلار، چند پروژه ناتمام به‌بهره‌برداری می‌رسید؟

مجموع اعتبار دولت برای مناطق محروم در سال گذشته چهار هزار میلیارد تومان بوده است که به‌گفته نماینده ایلام، بخش زیادی از آن وابسته به‌فاینانس خارجی بوده و محقق نشده است. حال محاسبه کنید که ۱۰۰ میلیارد دالر چند برابر بوده تأمین اعتبار نشده مناطق محروم ایران است.

اما در حال حاضر حکومت اسلامی ایران، در فضای پرتلاطم خاورمیانه خود را «جزیره ثبات» می‌خواند. ادعاهایی که حدود دو سال پیش دولت ترکیه و رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری مستبد این کشور داشتند. این که حکومت اسلامی ایران تا چه اندازه بتواند با بحران‌های موجود و سرکوب جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات مردمی و در برابر اسم رمز «نفوذ» دوام بیاورد، چالش بزرگی است در برابر کلیت حکومت اسلامی ایران!

مؤخره

تجربه امسال نیز همانند ۳۷ سال گذشته حکومت اسلامی ایران، نشان داد که نه انتخابات این حکومت و نه وعده‌های جناح‌های رنگارنگ آن، هیچ‌کدام به‌بهبود وضع معیشتی و آزادی و امنیت شغلی مردم منجر نشده است. اگر در جایی هم حکومت اسلامی یک قدم عقب نشسته در مقابل مبارزات جدی جنبش‌های سیاسی-اجتماعی و ادار به‌این عقب‌نشینی شده است. بنابراین، تنها راهی که در مقابل فعالین جنبش‌ها عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی وجود دارد مبارزه متحدانه و هدفمند آن‌ها بر علیه سیستم سرمایه‌داری و کل حاکمیت مدافع سرمایه در ایران است.

در اوضاع کنونی، مبارزه برای دستیابی به‌خواست‌های فوری و تشکلیابی نمی‌تواند از مخالفت و تقابل آگاهانه، فراگیر و خستگی‌ناپذیر با برنامه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک دوران «پسابرجام» جدا باشد.

مبارزه متحدانه در راه خواست‌های فوری همچون افزایش دستمزدها متناسب با تورم و گرانی واقعی، تضمین معیشت خانوارهای کارگری و همه محرومان جامعه، کودکان کار و خیابانی، کارتن خواب‌ها، ضمانت امنیت شغلی کارگران، لغو قراردادهای موقت، به‌رسیمت شناختن آزادی تشکلیابی مستقل کارگری، لغو قوانین ضدزن، لغو سانسور، تأمین آزادی بیان و اندیشه، آزادی احزاب سیاسی و نهادهای دموکراتیک، آزادی مطبوعات، آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی، لغو هرگونه شکنجه و اعدام و... در عین حال، در ترسیم دورنمای مبارزات جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و جوانان، پیکار نویسندگان و روزنامه‌نگاران و هنرمندان، بر لزوم تقویت و تحکیم پیوند این جنبش‌ها با جنبش سراسری مردم علیه سیستم سرمایه‌داری و کلیت حکومت اسلامی و بر علیه افکار و آرای مذهبی، ملی و نئولیبرالیسم، همواره پافشاری کنیم و ضرورت این مبارزه و پیوند و همبستگی طبقاتی را یادآور شویم. همچنین نباید دست روی دست بگذاریم و منتظر معجزه‌ای و ظهور قهرمانی باشیم. تنها نیروئی که به‌معنای واقعی قدرت طبقاتی و نقش قهرمانی در تغییر نظم موجود دارد طبقه کارگر متحد و متشکل و همه اقشار تحت ستم و رنج‌دیده و آزاده جامعه هستند.

جنبش کارگری، به‌لحاظ نقشی که در عرصه تولید و تماسی که با توده‌های بزرگ محرومان و بیکاران در تمامی منطقه‌ها دارد، توده‌ای‌ترین و وسیع‌ترین سازمان متشکل کارگری به‌شمار می‌آید و تمامی کارگران را صرف‌نظر از تفاوت‌های ملی، جنسی، مذهبی و عقیدتی دربر می‌گیرد. از این‌روی، تقویت جنبش کارگری، به‌معنای واقعی تقویت همه زیربناهای فکری و عملی علی سرمایه‌داری و علیه حکومت اسلامی مدافع سرمایه است بنابراین باید در این جنبش حضور فعالی داشت و با تشدید مبارزه طبقاتی و دوری از هرگونه تفرقه و پراکندگی، می‌توان جایگاه جنبش کارگری کمونیستی را در معادله‌های سیاسی آگاهانه و با جدیت و پیگیری، ارتقا داد و از این رهگذر مبارزه سراسری بر

سرمایه داری و سرنگونی کلیت حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، که از مرحله‌های مختلف می‌گذرد را
از هر نظر تقویت کرد!

پنجشنبه پنجم فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۵ - بیست و چهارم مارچ ۲۰۱۶